

غزل شماره ۲۱۲

یک دو جامم دی سحر که اتفاق افتاده بود
وز لب ساقی شرابم در مذاق افتاده بود

از سرمستی دگر باشاهد عهدِ شباب
رجعتی می خواستم لیکن طلاق افتاده بود

در مقاماتِ طریقت هر کجا کردیم سیر
عافیت را با نظر بازی فراق افتاده بود

ساقیا جامِ دما دم ده که در سیرِ طریق
هر که عاشق و ش نیابد در نفاق افتاده بود

ای مُعبر مژده ای فرما که دو شم آفتاب
در شکر خوابِ صبحی هم وثاق افتاده بود

نقش می بستم که کیرم گوشه ای زان چشمِ مست
طاقت و صبر از خمِ ابروش طاق افتاده بود

گر نکردی نصرتِ دین، شاه یحیی، از کرم
کار ملک و دین ز نظم و اتساق افتاده بود

حافظ آن ساعت که این نظم پریشان می نوشت
طایر فکرش به دام اشتیاق افتاده بود

تفسیر فال

در تلاشی هستی که گذشته را جبران کنی و به حالت عافیت و آرامش دست یابی. این کوشش و پشتکار تو نه تنها نشانه‌ای از عزم راسخ توست، بلکه مژده‌ای نیز برایت به ارمغان می‌آورد، مژده‌ای که حاکی از پایان غم‌ها و تاریکی‌هایی است که ممکن است در زندگی‌ات تجربه کرده باشی. در این مسیر پرچالش، بر اهمیت بخشش تأکید می‌شود؛ چرا که بخشیدن دیگران نه تنها بار سنگینی از دوش تو برمی‌دارد بلکه راه را برای آرامش روحی هموارتر می‌کند. همچنین، با دور کردن پریشانی‌ها و نگرانی‌های غیرضروری از خود، می‌توانی قدرت بیشتری پیدا کنی تا با قاطعیت به سوی مقصود خود پیش بروی. این استقلال فکری و روحیه‌ی استواری که در پی آن هستی، به تو اجازه خواهد داد تا با اطمینان بیشتری بر موانع فائق آبی و زندگی مطلوب‌تری بسازی.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو و سلام دنیا](#)